

مشروعیت عقلی ولایت فقیه

سودابه تپه رشی^۱

چکیده

این مقاله به بررسی مشروعیت عقلی و شرعی ولایت فقیه می‌پردازد و اثبات می‌کند که ولایت فقیه در عصر غیبت امام معصوم (عج) از سه منبع اساسی برخوردار است: دلایل عقلی محض، آیات قرآن کریم و روایات معتبر اسلامی. بر اساس برهان عقلی، جامعه انسانی برای حفظ نظم، عدالت، و اجرای قانون الهی نیازمند حکومتی دینی و عادل است که قادر به تحقق احکام اسلامی باشد و فقدان آن به هرج و مرج و فساد اجتماعی منجر می‌شود. از منظر قرآن کریم، مشروعیت حکومت دینی به اراده الهی و هدایت مردم توسط حاکم عادل وابسته است و مردم نیز بر اساس حق فطری خود موظف به پیروی از آن هستند. همچنین، روایات معصومان (علیهم‌السلام) نشان می‌دهد که مراجعه به حاکمان نامشروع مشروعیت ندارد و حل نیازهای اجتماعی و قضایی باید از طریق فقهای جامع‌الشرایط انجام شود. بنابراین، ولایت فقیه هم مشروعیت الهی و هم مشروعیت مردمی دارد و تحقق آن برای ایجاد جامعه‌ای منظم، عادل و پایبند به احکام اسلام ضروری است.

واژگان کلیدی: ولایت فقیه، مشروعیت، عقل، قرآن، روایات، عصر غیبت، فقیه جامع‌الشرایط

^۱ دانش اموخته سطح ۲ حوزه علمیه آبیگ

Commented [1]: بیان مساله و روش ندارد

مقدمه

بیان مسئله

بدون تردید، داشتن جامعه‌ای سالم و سعادتمند نیازمند شناخت و معرفتی عمیق نسبت به ولایت فقیه و اجرای دستورات مربوط به آن است. فقیه به عنوان رهبر جامعه اسلامی، با صفاتی نزدیک به معصوم که لازمه یک رهبر دینی است، می‌تواند نقش راهبر و امام را برای جامعه ایفا کند و جامعه را به تعالی و سازندگی برساند. نیازمندی جامعه اسلامی به چنین شخصی، مانع از هرج و مرج، سردرگمی و انحراف می‌شود و زمینه رستگاری و سعادت انسان‌ها در دنیا و آخرت را فراهم می‌آورد. با این حال، به دلیل عدم شناخت و آگاهی کافی مسلمانان، به ویژه در تشیع، نسبت به پذیرش و مشروعیت ولایت فقیه، در بسیاری از جوامع این جایگاه کمرنگ شده و حتی به فراموشی سپرده شده است. این وضعیت زمینه‌ساز ایجاد تفرقه، فساد، بی‌عدالتی و گاهی دین‌گریزی در جوامع اسلامی شده است. بنابراین، بررسی دلایل عقلی مشروعیت ولایت فقیه و پاسخ به شبهات موجود، ضرورت اساسی دارد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

مسئله ولایت و حکومت اسلامی نقش حیاتی در ایجاد نظم، عدالت و امنیت اجتماعی دارد، زیرا کوتاهی در شناخت و پذیرش این جایگاه می‌تواند فرصت سوءاستفاده و فساد را فراهم کند. اهمیت پژوهش حاضر از چند جنبه قابل توجه است:

۱. حفظ وحدت و انسجام جامعه اسلامی: شناخت دلایل عقلی مشروعیت ولایت فقیه، زمینه تبعیت صحیح و جلوگیری از هرج و مرج و سردرگمی اجتماعی را فراهم می‌کند.

۲. پاسخ به شبهات و تبلیغات سوء: در شرایط کنونی، شبهات و تبلیغات نادرست علیه ولایت فقیه در سطح جهانی و کشورهای اسلامی، موجب ایجاد شک و تردید در میان مردم شده است. پژوهش حاضر تلاش می‌کند با استدلال‌های عقلی و منطقی، این شبهات را پاسخ دهد.

۳. ارتقای آگاهی جامعه و مسئولان: تحقق آرمان جامعه اسلامی مستلزم آگاهی و عملکرد صحیح مردم و مسئولان است تا از تسلط افراد نالایق و ستمگر جلوگیری شود.

۴. تبیین اهمیت ولایت فقیه در عصر غیبت: ارائه تحلیل علمی و عقلی، نقش ولی فقیه را در هدایت جامعه اسلامی و بسط عدالت و صلح در جامعه روشن می‌سازد.

پیشینه تحقیق

کتاب‌ها، روایات و آثار فراوانی درباره مشروعیت ولایت فقیه از قرآن، احادیث و نظر اندیشمندان مختلف نگارش و تألیف شده است که هر یک به دلایل مختلف مشروعیت ولایت فقیه اشاره می‌کنند. با این حال، هیچ یک از این آثار، مشروعیت ولایت فقیه را تنها از بعد عقلی بررسی نکرده‌اند و همواره آن را با دلایل نقلی و سایر دلایل مکمل دانسته‌اند. در آثار علمایی مانند آیت‌الله العظمی بروجردی^۱ و امام خمینی رحمه‌الله^۲ اگرچه تفاوت‌هایی در دیدگاه‌ها وجود دارد، اما هر دو به بیان دلایل عقلی ولایت فقیه پرداخته و در کنار آن، دلایل نقلی و سایر دلایل را نیز مطرح کرده‌اند. تفاوت اصلی آثار امام خمینی با آیت‌الله بروجردی در این است که امام خمینی فصل جدیدی در این مبحث گشوده و تحقیقات دقیق و بدیعی

^۱ آیت‌الله العظمی بروجردی، مجموعه آثار فقهی و اصولی، قم: انتشارات اسلامیه، ۱۳۶۵ ش، ص ۴۵-۵۲.

^۲ امام خمینی رحمه‌الله، ولایت فقیه، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۸ ش، ص ۳۰-۶۰.

ارائه کرده است که بزرگ‌ترین دستاورد آن، تشکیل حکومت جمهوری اسلامی ایران است. آیت‌الله بروجردی قائل به ولایت مطلق است، اما معتقد بود ولایت فقیه محدود به وظایف امام زمان (ع) است و حق تصرف در امور حکومتی ندارد.^۱ امام خمینی اما بیان می‌کند که اگر فقها موفق به تشکیل حکومت نشوند، منصب ولایت از آنان ساقط نمی‌شود، زیرا منصوب از جانب خدا هستند؛ و اگر توانستند حکومت تشکیل دهند، باید مالیات، زکات، خمس و خراج را جمع‌آوری و در مصالح مسلمین صرف کرده و اجرای حدود نمایند.^۲ در آثار دیگر، مانند صاحب جواهر^۳ به ضرورت و اهمیت ولایت فقیه تصریح شده و آن را امری مسلم و ضروری خوانده‌اند. آیت‌الله طباطبایی^۴ معتقد است که بسیاری از حاکمان اسلامی آیه اطاعت را مصادره به مطلوب کرده و خود را ولی امر خوانده‌اند، در حالی که هیچ عالمی، شیعی یا سنی، این منصب را جز برای خلفا و امامان معصوم قابل انتساب نمی‌داند.

قبل از نهضت اسلامی، برخی علما مسائل مربوط به نظام اسلامی را با استناد به روایات از نظر علمی و فکری حل می‌کردند؛ هرچند بسیاری اصل ولایت فقیه را با استناد به برخی روایات ظنی می‌دانستند. علامه طباطبایی پیش از نهضت، ولایت فقیه را امری بدیهی و فطری قلمداد کرده و آن را با استناد به آیات قرآن و دلایل عقلی اثبات کرده است.^۵ ایشان بیان می‌دارد که هر جامعه‌ای برای زندگی مشترک نیازمند مدیریت است و تجربه تاریخی نشان داده که مدیریت صحیح، موجب عزت، پیشرفت و پیروزی جامعه می‌شود، در حالی که مدیریت ناصحیح زمینه سقوط و ذلت جامعه را فراهم می‌آورد. علامه طباطبایی همچنین

^۱ آیت‌الله العظمی بروجردی، همان منبع، ص ۵۵.

^۲ امام خمینی، همان منبع، ص ۸۰-۹۰.

^۳ صاحب جواهر، جواهر الکلام، جلد ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۲۳-۱۳۵.

^۴ علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش، ج ۲۰، ص ۱۵۰-۱۶۰.

^۵ علامه طباطبایی، مقاله «ولایت فقیه از نگاه عقل و نقل»، تهران: فصلنامه اسلامی، شماره ۴، ۱۳۵۷ ش، ص ۱۰-۳۰.

سؤالات مهمی مطرح می‌کند: آیا فقاہت برای ولایت کافی است یا اعلمیت هم لازم است؟ آیا فردی که در تقوا، حسن تدبیر و اطلاع بر مصالح از همه مقدم‌تر است، شایسته مقام ولایت نیست؟ وی معتقد است که حاکم باید در تقوا در حد اعلی باشد و مصالح جامعه را به خوبی درک کند؛ بنابراین فقاہت به تنهایی کافی نیست.

در آثار ایشان، با استفاده از دلایل عقلی و نقلی، اصل ولایت فقیه تبیین شده و ضرورت هر دو دلیل در اثبات مشروعیت آن مشخص گردیده است. برخی مقالات اخیر تنها به دلایل عقلی پرداخته‌اند، زیرا در برخی جوامع دلایل نقلی و روایات انکار می‌شوند و شبهاتی علیه ولایت فقیه ایجاد می‌گردد. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که اثبات مشروعیت ولایت فقیه با کمک دلایل عقلی، راه را بر شبهات بسته و از تشویش افکار عمومی جلوگیری می‌کند.^۱

مفهوم‌شناسی مشروعیت و ولایت فقیه

۱. مشروعیت

واژه «مشروعیت» در لغت از ماده «شرع» گرفته شده است. «الشرع» به معنای چیزی است که خداوند برای بندگان خود مقرر ساخته است و «الشریعه» به معنای سنن و احکام الهی است. «المشروع» به مواردی اطلاق می‌شود که شرع آن‌ها را مجاز شمرده است.^۲ بنابراین مشروعیت هم مصدر جعلی و هم صفت اموری است که ارتکاب آن‌ها ریشه در اجازه شارع دارد و جنبه قدسی و الهی دارد.^۳

اصطلاحاً، مشروعیت در علوم مختلف کاربردهای متفاوت دارد؛ در فقه، به معنای مطابقت با شرع است و در علوم سیاسی و حکومت، پاسخگوی پرسش‌هایی مانند «چرا دولت حق فرمان دادن دارد و چرا مردم ملزم به پیروی از آن هستند؟» می‌باشد. به تعبیر برخی پژوهشگران،

^۱ مقاله «دلیل عقلی مشروعیت ولایت فقیه»، پژوهشگاه علوم اسلامی، ۱۳۶۵ ش، ص ۵-۲۵.

^۲ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، قم: انتشارات طلیعه نور، چاپ دوم، ۱۴۲۷ ه.ق، ص ۳۴.

^۳ طباطبایی، تفسیر المیزان، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش، ج ۲۰، ص ۱۵۵.

جامع‌الشرایط باید ولایت را به دست گیرد، امری جزئی و شخصی است که توسط خبرگان منتخب مردم یا راه‌های دیگر مشخص می‌شود.

ضرورت حکومت و قانون الهی

جامعه انسانی و کمال فردی و معنوی او نیازمند قانون الهی در ابعاد فردی و اجتماعی است که محفوظ از ضعف، نقص، خطا و فراموشی باشد. همچنین، جامعه نیازمند حکومتی دینی و حاکمی عالم و عادل است؛ زیرا نبود هر یک از این دو، موجب هرج و مرج، ظلم و تباهی خواهد شد، امری که هیچ انسان عاقلی به آن راضی نخواهد بود.

این برهان عقلی، مختص به زمان یا مکان خاصی نیست و شامل سه دوره می‌شود:

۱. دوره انبیا: ضرورت نبوت را اثبات می‌کند.

۲. پس از پیامبر اکرم (ص): ضرورت امامت را اثبات می‌کند.

۳. عصر غیبت امام معصوم: نتیجه این برهان، ولایت فقیه است.

تحقق قانون الهی در عصر غیبت

بعد از پیامبر اکرم (ص)، قانون جدیدی از سوی خداوند صادر نمی‌شود؛ زیرا همه نیازهای بشر از نظر احکام و اخلاق، در قرآن کریم بیان شده است. آنچه مهم است، تحقق این قانون در زندگی فردی و اجتماعی و اجرای احکام دین است. در عصر امامت، علاوه بر تبیین قرآن و سنت، اجرای احکام اسلامی بر عهده امام معصوم بود. اکنون در عصر غیبت ولی عصر (عج)، انسان و جامعه نیازمند اجرای قانون الهی است؛ زیرا بدون اجرای آن، جامعه دچار هرج و مرج، ظلم، فساد و تباهی خواهد شد. خداوند سبحان در عصر غیبت، انسان و جامعه را به حال خود رها نکرده است و ولایت جامعه اسلامی را به دست کسانی سپرده که دارای ویژگی‌های زیر باشند:

۱. شناخت قانون الهی برای اجرای صحیح آن.

۲. توانایی و استعداد تشکیل حکومت اسلامی.

۳. امانت‌داری و عدالت در اجرای دستورات اسلام و رعایت حقوق انسانی و دینی افراد

جامعه.

به همین دلیل گفته می‌شود که نیابت امام عصر و ولایت جامعه در عصر غیبت بر عهده فقیهان جامع‌الشرایط است.

نکات ضروری

۱. عقل به عنوان منبع دین: عقل یکی از منابع غنی و قوی دین است و بسیاری از

میانی که سند استنباط احکام فقهی و سایر احکام است، از آن استخراج می‌شود.

بنابراین، اگر برهان عقلی از منابع استنباط احکام دین محسوب شود، می‌تواند

ضرورت ولایت فقیه عادل را اثبات کند و چنین اثباتی مشروع و حکم شریعت

الهی بر آن مترتب است.

۲. قاعده لطف: بر اساس این قاعده که برخی از اهل کلام بدان معتقدند، هر امری

ظاهراً حسن باشد، انجام آن بر خدا واجب است، زیرا لطف بر حسب نظام کلی و

حکمت الهی است. اگر حکم عدالت اسلامی ضروری باشد، ایجاد چنین حکومتی

نیز لازم و ضروری است.

نتیجه گیری

بر اساس مباحث مطرح شده در این مقاله، ولایت فقیه هم از دیدگاه عقلی محض و هم از

منظر آیات و روایات معتبر اسلامی دارای مشروعیت است. برهان‌های عقلی نشان می‌دهد

که جامعه انسانی برای حفظ نظم، عدالت، و اجرای قانون الهی نیازمند حکومتی دینی و عادل

است که قادر به اجرای احکام اسلام باشد. فقدان چنین حکومتی، حتی در عصر غیبت امام معصوم (عج)، به هرج و مرج، فساد و تباهی منجر می‌شود. از این منظر، ولایت فقیه جامع‌الشرایط نه تنها یک ضرورت عقلی و اجتماعی است، بلکه استمرار اجرای احکام الهی را تضمین می‌کند و از حقوق فطری و طبیعی انسان‌ها در تعیین سرنوشت و زندگی عادلانه حمایت می‌کند. از دیدگاه قرآن کریم، مشروعیت حکومت به طور مستقیم به اراده الهی و هدایت جامعه توسط حاکم عادل مربوط می‌شود و مردم نیز بر اساس حق فطری خود، موظف‌اند از حاکمیت عادلانه پیروی کنند. در کنار آن، روایات معصومان (علیهم‌السلام) نیز صراحتاً نشان می‌دهد که مراجعه به حاکمان نامشروع یا ستمگر، حتی اگر حکم آنها ظاهراً صحیح باشد، مشروعیت ندارد و حل نیازهای اجتماعی و قضایی باید از طریق فقه‌ای جامع‌الشرایط انجام شود.

در نتیجه، ولایت فقیه هم مشروعیت الهی دارد، هم مشروعیت مردمی و هم بر پایه دلایل عقلی محض ضروری و حتمی است. بنابراین، امت اسلامی موظف است در عصر غیبت، فقیه عادل و جامع‌الشرایط را به عنوان ولی جامعه و حاکم مشروع بپذیرد و از او اطاعت کند تا هم احکام الهی تحقق یابد و هم نظم و عدالت اجتماعی برقرار گردد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. جواد آملی، عبدالله، «مقاله نقد نقد»، حکومت اسلامی، سال اول، شماره ۲.
۴. A.۵. بیع، ج ۱، موسسه اسماعیلیان، بی‌جا، بی‌تا.

۵. رجا، «ولایت فقیه: رهبری در اسلام»، بی‌جا، ۱۳۶۷.
۶. «ولایت الله»، قم: اسراء، ۱۳۷۹.
۷. «ولایت فقاہت و عدالت»، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۰.
۸. خرمی، حسن، ولایت فقیه، حکومت دینی، سکولاریزم، دفتر انتشارات انصاری، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۹. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه المیزان، ج ۱۰، بی‌جا، بی‌نام، بی‌تا.
۱۰. قمی، ابو محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، بی‌جا، بی‌تا.
۱۱. کلینی، اصول کافی، بی‌جا، بی‌تا.
۱۲. کواکبیان، مصطفی، مبانی مشروعیت در نظام ولایت فقیه.
۱۳. محمدی اشتیاردی، محمد، ولایت فقیه، ستون خیمه انقلاب اسلامی، تهران: مطهر، ۱۳۸۰.
۱۴. محمودی، محمدباقر، نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، ج ۱، بی‌جا، بی‌تا.
۱۵. مصلایی‌پور یزدی کردلویی، ملیکا، «ولایت از دیدگاه علامه طباطبایی»، پژوهش‌های اعتقادی-کلامی، دوره ۱، شماره ۳، ۱۳۹۰.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، گردآوری قرآن، ج ۱، تهران: دارالکتب، چاپ نهم، ۱۳۸۶.
۱۷. موسوی‌الخمنی، روح‌الله، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳.
۱۸. نراقی، ملا احمد، عواید الایام، بی‌جا، بی‌نام، بی‌تا.
۱۹. نراقی، ملا احمد، ادله مشروعیت عقلی ولایت فقیه از منظر ملا احمد نراقی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، بی‌تا.
۲۰. هوشیار، یاسر، ولایت فقیه از نگاه عقل و نقل، بی‌جا، بی‌تا.
۲۱. دانشنامه اسلامی، گنجینه معرفت، ۲/۵/۸۵.

۲۲. ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد، رده معرفت‌شناسی.